



قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۳۰۹

ماده اول - در هر موردی که یک یا چند نفر بخواهند مال متعلق به متوفایی را اعم از منقول یا غیر منقول یا اسنادی که نزد غیر است به عنوان وراثت اخذ نمایند و یا طلب متوفایی را به این عنوان وصول کنند و متصرف یا مدیون بدون انکار وجود مال یا دین یا اسناد تصدیقی برای سمت و یا انحصار وراثت از آنها بخواهد باید به طریق ذیل رفتار شود.

ماده دوم - شخص و یا اشخاص مزبور باید برای تحصیل تصدیق وراثت و عده وراثت تقاضای کتبی به یکی از محاکم صلح محل اقامت دائمی متوفی یا محاکم بدایتی که وظایف صلاحیه را انجام می دهند تقدیم کند در صورتی که محل اقامت دائمی متوفی در خارج از مملکت باشد به یکی از محاکم صلح تهران باید مراجعه شود.

تبصره - در غیر این مورد خواه اختلاف در وراثت بوده و خواه شخصی که متصرف مال منقول یا غیر منقول است منکر باشد امر به اقامه دعوی در محاکم صالحه خاتمه خواهد یافت.

ماده سوم (۱) - امین صلح یا حاکم بدایتی که وظیفه صلاحیه را انجام می دهد باید تمام ادله و اسناد مستدعی و یا مستدعیان تصدیق را از ورقه سجل احوال و شهادت شهود و غیره تحت نظر گرفته شرحی در جریده رسمی و یکی از جراید محل به خرج مستدعی یا مستدعیان سه دفعه متوالیاً ماهی یک دفعه اعلان کرده و پس از انقضاء سه ماه از تاریخ نشر اولین اعلان در صورتی که معترض نبود تصدیقی مشعر بر وراثت و تعیین عده وراثت به مستدعی و یا مستدعیان می دهد و در صورت اعتراض امین صلح و حاکم بدایتی که وظیفه صلاحیه را انجام می دهد مطابق اصول رسیدگی کرده حکم خواهد داد و این حکم قابل استیناف و تمیز خواهد بود.

در صورتی که معترض ادعای خود را تا دو ماه تعقیب نکرد حق اعتراض او ساقط و محکوم به ادای خسارت می شود.





۱* پاورقی: ماده سوم این قانون به موجب قانون ۲۷ تیر ماه ۱۳۱۳ اصلاح و بعداً به موجب قانون اول آذر ماه ۱۳۱۳ دو ماده به عنوان ماده ۱۳ و ۱۴ به این قانون اضافه شده است.

ماده چهارم - در صورتی که با نبودن معترض رأی امین صلح یا حاکم بدایتی که وظیفه صلحیه را انجام می دهد دائر به رد تقاضای مستدعی یا مستدعیان تصدیق باشد مستدعی یا مستدعیان تصدیق می توانند در ظرف ده روز پس از ابلاغ رأی به نزدیکترین محکمه بدایت شکایت کنند و رأی آن محکمه بدایت پس از استماع عقیده مدعی العموم قاطع خواهد بود.

ماده پنجم - مدیون و یا متصرف مال متوفی باید در مقابل اخذ اصل و یا سواد مصدق تصدیق امین صلح یا حاکم بدایت دین خود را که به متوفی داشته و مال متعلق به او را که نزد خود دارد و به صاحب و یا صاحبان تصدیق تأدیه و یا تسلیم کند - در صورت استنکاف مسئول خسارات وارده بردارندگان تصدیق خواهد بود و در صورت تأدیه دین و یا تسلیم مال در مقابل هر مدعی وراثت بری محسوب خواهد شد و مدعی مزبور حق رجوع به شخص یا اشخاصی خواهد داشت که طلب متوفی را وصول و یا مال متعلق به او را دریافت نموده اند.

ماده ششم - اگر اموال منقول و غیر منقول و وجه نقد متعلق به اشخاص مجهول الوارث که در تصرف دولت یا مؤسسات تجارتی و یا صرافیه و غیره و یا اشخاص است در ظرف ده سال نسبت به مال منقول و وجه نقد و بیست سال نسبت به مال غیر منقول از تاریخ فوت مالک کسی به عنوان وراثت ادعا ننماید دیگر ادعایی پذیرفته نخواهد شد و اموال مزبوره متعلق به دولت است که به مصرف مؤسسات خیریه برساند.





تبصره - مؤسسات تجارتي و صرافي و غيره و يا اشخاصي كه اموال مجهول الوارث نزد آنها است مكلفند به وسيله پارچه‌هاي بدايت هر محل آن اموال را تسليم و يا تأديه به دولت نمايند.

ماده هفتم - مفاد مواد فوق در موردی نيز بايد رعايت شود كه اداره ثبت اسناد و املاك براي صدور سند مالكي و يا تبديل ملكي كه به نام متوفي ثبت شده است به اسم وارث يا وراث او يا براي هر مقصود ديگري از تقاضاكننده سند مالكي و يا تبديل و غيره تصديقي براي وراثت و عده وراثت بخواهد.

ماده هشتم - مستدعي و مستدعيان تصديق بايد مخارج ذيل را تأديه نمايند:

۱ - براي رسيدگي در نزد امين صلح يا حاكم بدايت سه تومان

۲ - براي اخذ تصديق يك تومان

۳ - براي هر سواد كه داده مي شود پنج قران

ماده نهم - هر گاه معلوم شود كه مستدعي تصديق با علم به عدم وراثت خود تحصيل تصديق وراثت نموده و يا با علم به وجود وارثي غير از خود تحصيل تصديق بر خلاف حقيقت كرده است كلاهبردار محسوب و علاوه بر اداي خسارت به مجازاتي كه به موجب قانون براي اين جرم مقرر است محكوم خواهد شد.

ماده دهم - هر شاهدي كه در موضوع تحصيل تصديق وراثت برخلاف حقيقت شهادت دهد براي شهادت دروغ تعقيب و به مجازاتي كه براي اين جرم مقرر است محكوم خواهد شد.





ماده یازدهم - هر گاه متصرفین مال متعلق به اشخاص مجهول الوارث و یا مدیونین به اشخاص مزبور بعد از انقضاء مدتی که به موجب ماده ۶ مقرراست مال و یا دین و یا منافع حاصله از آن را مطابق تبصره ماده مذکور به دولت تسلیم و یا تأدیه نمایند به مجازاتی که به موجب قوانین جزایی برای خیانت در امانت مقرر است محکوم خواهند شد.

در صورتی که متصرف یا مدیون شرکت باشد مدیر شرکت و یا شعبه آن که متصرف و یا مدیون است مسئول اجرای مقررات تبصره ماده ۶ بوده و در صورت تخلف به مجازات مذکور فوق محکوم خواهد شد.

ماده دوازدهم - اگر مال در معرض تلف و تضییع بوده و یا اعتبار مدیون و یا کسی که مال نزد او است مشکوک باشد محکمه می تواند برای حفظ مال اقدامات لازمه را اعم از فروش یا تودیع آن به محل معتبری و یا گرفتن ضامن به عمل آورد.

چون به موجب قانون مصوب ۲۸ فروردین ماه ۱۳۰۹ (وزیر عدلیه مجاز است کلیه لوایح قانونی را که به مجلس شورای ملی پیشنهاد می نماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه به موقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع وقوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید) علی هذا (قانون تصدیق انحصار وراثت) مشتمل بر دوازده ماده که در تاریخ لیله چهاردهم مهر ماه ۱۳۰۹ شمسی به تصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجرا است.

